

ادامه مطلب

یادداشتهای بی تاریخ

از صفحه ۲۲

(۵)

آمیزش دین و دولت

داستان حضور آقا در غار چنان جان شهر را پر می کند که ناگزیر خبر به گوش شاه می رسد و شاه از وزیر عیار می خواهد که شیخ را به حضور او بیاورد. اما وزیر به شاه یادآور می شود که این آقا نه از آنهاست که او تاکنون می شناخته. او مردی است بی نیاز از شاه و گدا که در گوشه ی غاری زندگی می کند و به مال مردم دنیا دار بی اعتناست. او محال است که برای دیدار شاه از کنج خلوت خود بیرون بیاید. چند روز و هفته ای می گذرد که شاه مشتاق دیدار شیخ نشسته در غار است و وزیر که قاصد میان این دو تن است، هردفعه با دست خالی باز می گردد و شاه را آتش اشتیاق تیزتر می شود.

بالاخره روزی آقا اجازه می دهد به دیدارش برود. در این دیدار باز هم به دستور وزیر، شیخ اعتنایی به حضور آنها نمی کند و بالاخره وزیر به نحوی به شاه حالی می کند که باید این عابد زاهد مسلمان را به چنگ آورد و با او کار ملک را قوام و دوام بخشید. زیرا تنها در پناه قدرت مسجد است که می توان به ملک داری پایدار رسید. وزیر در توصیف این نوع فرمانروایی می گوید:

دین و دولت چو با هم آمیزند

اقتداری عجب برانگیزند

آنچه نتوان به نام سلطان کرد

نام دین کردندش چه آسان کرد

شاه در دین طرز فکر وزیر به او می گوید که این حرفها مال

زمانهای گذشته بود و حالا دیگر از این حرفها نمی شود زد.

کرده قانون سلطنت تغییر

بی اثر گشته حربه ی تفکیر

نتوان حکم راند بی سر خر

فارغ از زحمت «حقوق بشر»

اینجاست که وزیر به قیقه می خندد و به شاه تذکر می

دهد که از قدرت فتوای دین بی خبر است و نحوه و شکل

اجرای قدرت فتوا را به این گونه برای شاه بیان می دارد:

وای اگر از دهان ملایی

گشت صادر به فتنه فتوایی

که: فلان کافر است و دشمن دین

واجب الرجم گشته است لعین

دُم علم کرده هایبوی کنند

سنگسارش ز چارسوی کنند

بی محابا چنان بر او تازند

کز جهانش نشان براندازند

کف چو از خون بی گنه شویند

آنگه «این سگ چه کرده می گویند»

(۶)

احساسات میلیونی

به وساطت وزیر ملاقات میان شاه و شیخ به طول می انجامد و سرانجام وزیر راه حلی را که برای به هم پیوستن این دو

طول دادن به قصد جلب نظر

سجده را نیم ساعت افزوتتر

با عصا و دمپایی

راه رفتن به ناز و رعنائی

چهره پرچین و باد در غبغب

فس فسی کاشتن به گوشه ی لب

هم ادا ساختن به عور و ادا

ذکر الحمد را ز مخرج حا

ضاد و حا را غلیظ فرمودن

مدّ و الضالین افزودن

در صف خلق پیشتر رفتن

با محاسن همیشه ور رفتن

در دل غار آشیان جستن

بی نیازی از این و آن جستن

خویش را برتر از بشر دیدن

دیگران را چو گاو و خر دیدن

شیوه ی خر مرید کردن رام

ز ابتدایش نمود تا انجام

کارفرما وزیر پرنیرنگ

بهتر از کارکشتگان فرنگ

با فسونکاری و دغلبازی

گشت سرگرم پیشواسازی

جمله آموختش طریقت کار

تا که شد مرشدی تمام عیار

ز آن بیابانی بلید (کودن) عوام

آیتی ساخت حجت الاسلام

عشوه های عجب به کارش کرد

تا به دوش خران سوارش کرد

حجت الله با هر فی الارض

طاعتش بر تمام مردم فرض

(۴)

رهروان طریق بی بی سی

پس از آن که چوپان حجت الاسلامی می شود، به غار می

رود. وزیر، کار تبلیغات و روابط عمومی را به دست می

گیرد، و از ظهور و بروز مرد خدایی در سرزمین پادشاه دنیا

را آگاه می سازد.

پس از آن کار او چو محکم کرد

عده ای جارچی فراهم کرد

جارچی های خبره در تدلیس

بهتر از قوم روزنامه نویس

همه در شیوه های ابلیسی

رهروان طریق بی بی سی

همه در کار خویشتن به کمال

همگان خبره در هو و جنجال

قدرت به نظرش می رسد مطرح میکند. این راه حل همان وعده ای است که او به چوپان بی سر و پا داده است، دختر شاه را به زنی برای او خواستن. شاه که شیفته ی قدرت شیخ غارنشین شده، یکسر خود را تسلیم وزیر می کند که هرچه می اندیشد و صلاح می داند به کار ببرد. و سرانجام بعد از رفت و آمدهای بسیار، روزی برای شاه مژده می آورد که به اصرار شیخ را راضی کرده است که دامادی شاه را بپذیرد و منت بگذارد و دختر او را به جباله ی نکاح خود در آورد.

حالا روزگار به کام وزیر است. شهر از شوق این که آقا از غار به درآمد و رهسپار کاخ است برخود می لرزد. همه به خیابان می ریزند. چهره ی شهری که به پیشواز ورود شیخ می رود، دیدنی است.

والی قشم و نایب زنجان

کدخدای فلات رفسنجان

صنّف کفّاش بصره و بمپور

دشتبانان بندر شاپور

پای کار دهات نصرآباد

گاودار حوالی بغداد

مرده شوران خطه ی ماهان

بچه های جنوب اصفهان

نطفه های مقیم صلب پدر

کودک خفته در دل مادر

ساکنان دیار خاموشان

آن ز یاد همه فراموشان

قلتش بیگ و تحفت الدیوان

آفت الملک و لعبت السطان

همه برجستان صیغه روی

همه سردستان شهر نوی

صیغه روهای ناب دور حرم

صیغه خوانهای با همه محرم

تکه های حسابی دداری

چکه های حریف پشت دری

دختر مانده بیخ گیس ننه

حاجی پولدار چند زنه

لاکتابان با کتابی جور

مردمان ز آدمیت دور

نوحه خوانها، سر مزاری ها

تک پراپنا و پشت باری ها

همه زین مژده شادمان گشته

سیل طومارها روان گشته

(۷)

ساعت سعد

شهر از هیجان و شور، خود را باز نمی شناسد. عروسی دین و دولت نزدیک است و به شادمانی و شگون این اتفاق پسندیده، منجمان اسطرلاب می کشند و ...

دنباله مطلب در صفحه ۴۴



علی محمدی
President

SFC
Silicon Financial Corp.
Real Estate Loans - Refinance - Purchases

مشاوران وام و املاک

تیم مجرب، آگاه و پر تلاش

۱-۸۸۸-۹۷۸-۵۶۲۶



رزی بیگلری
Broker

برای خرید و فروش زمین، ساختمان مسکونی و تجاری و همچنین
برای دریافت وام با مشاوران با تجربه و آگاه تماس حاصل فرمایید.

انواع وام های بدون دستمزد و بدون خرج

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری و تهیه املاک و زمین جهت سرمایه گذاری
با تخصص در اخذ وام های ساختمانی (Construction) و زمین های مسکونی و تجاری

Give Us A Chance To Beat Any Advertised Rates!



(408) 244-0555

922 Saratoga Ave., Suite 100, San Jose, CA 95129

